

فرهنگیان

روایت

فرهنگیان

فرهنگیان

فرهنگیان

<div><div>📅</div><div><div>دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۲</div></div></div>
<div> <div><div>📺</div></div><div>شماره ۴۰۷۵</div></div>
<div><div>🌐</div></div> WWW.FDN.IR
<div><div>🌐</div></div> <div>FARHIKHTEGANDAILY</div>

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

تهش هیچی نیست، پس لذت ببر!



سروش صحت بیشتر به خاطر سریال‌هایش شناخته می‌شد که در تلویزیون عمدتاً با نویسندگان گوناگون و فضا و جنس کمدی متعارف کار شده بود.

بااین حال ظاهراً باید یک سروش صحت تجربه‌گرا و علاقه‌مند به دنیای پست مدرن و سینمای ایزورد با طنزگزنده و سرد را جدی بگیریم. در سینمای ایران چنین حال و هوایی را کم سراغ داشته‌ایم و آثار کاهانی یا تک فیلم‌هایی مثل «اشکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر» از شهرام مگرى، «من دیه‌گو ماردونو هستم» از بهرام توکلی، «بی‌حسی موضعی» از حسین همکام و «چراگرچه نمی‌کنی» از علیرضا معتمدی نمونه‌های معدودی‌اند که در خاطر من مانده است.

اساس این مدل از طنز بر مبنای جدی نگرفتن و واکنش‌های رها و بی‌تفاوت شخصیت‌ها در موقعیت‌های بحرانی و سخت شکل می‌گیرد. نوعی به‌هم خوردن روابط علی و معلولی بین وقایع و پیوده جلوه دادن جهان منطقی که معمولاً در زیر متن خود جهان‌بینی خیام‌گونه دارد یا نسبت به ناپسایمانی‌های اجتماعی و سیاسی موجود معترض است. (در فیلم سروش صحت حالت اول را می‌بینیم) در «صبحانه با زرافه‌ها» دغدغه اصلی نشان دادن ماهیت فاسد اما به‌ظاهر شیک روابط عاطفی و همچنین پوچی و مسخرگی مرگ و زندگی است. بازنمایی مناسبات دنیای مصرفی و لذت طلبانه مدرن که همه چیز در آن زودگذر و سطحی است، آدم‌ها فقط به شهوت و امیال خود می‌اندیشند و گویی هیچ دغدغه عمیق‌تری ندارند. رویکرد سروش صحت درباره این موضوع البته چندان رنگ و بویی انتقاد یا تقبیح ندارد و اتفاقاً گویی این وضعیت را محتم و غیر قابل اجتناب فرض کرده و راه حل را در نوعی دم راغیمت شمردن خیام‌گونه می‌بیند که اندکی هم با نصیحت‌های اخلاقی مثل «بخشش خوب است» تزئین شده است.

فیلم با ماجرای حضور سه دوست در مراسم عروسی دوست دیگرشان

شروع می‌شود و با تضاد مدل باستوریزه و مدل منکراتی عروسی در جامعه ایران شوخی‌هایش را آغاز می‌کند. ترکیبی از طنز کلامی مبتنی بر ایهام، کنایه و جر و بحث‌ها و ناهمگونی جملات با کانسپت موقعیت در کنار جفنگ بازی‌ها و جدی نگرفتن‌های ایزورد، وضعیتنی سراسر مفرح و بانمک ایجاد کرده که تا انتهای فیلم به فوت حفظ می‌شود و اصلی‌ترین جذابیت فیلم نیز همین است که بیشتر تماشاگران را راضی خواهد کرد. در ادامه نیز چند موقعیت محوری (پنهان کردن داماد و فرار به شمال) داریم که در امتداد داستان منط‌گریز فیلم است؛ البته این صفت منفی نیست زیرا مبنایی سینمای پست مدرن بر همین صفت بی‌منطق بودن استوار شده و نوعی زندگی می‌طلبد تا این فرار از مقتضیات عقلانی رئالیسم، چفت و بست داستان را از هم ن‌گسلد؛ سروش صحت توانسته این زندگی را به خروج دهنده که از طریق بناکردن مناسبات رفتاری، تصویری و گفتاری، منط‌گ مخصص به جهان پست مدرن را در فیلم بسازد. صبحانه با زرافه‌ها از نظر اجرایی نیز موفق است و جنس بازی هر پنج بازیگر اصلی‌اش با نوعی راحتی و رهایی خودمانی همراه شده که به ما این حس را می‌دهد که گویی اینها خود واقعی‌شان را دارند بسازی می‌کنند. البته با توجه به رفاقت و همدراهی همیشگی پژمان جمشیدی، بیژن نبفشه‌خواه و هوتن شکیبا که با خود سروش صحت، احتمالاً بتوان تصور شد که بخشی از این خودمانی بودن ممکن است از مناسبات حقیقی دوستی بین این افراد آمده باشد و این هم یک نوع پارادوکس بامزه است که رئالیسم در عین ایزوردیسم را بازنمایش می‌دهد. به همه فضائل فیلم یک شخصیت به‌یادماندنی به نام دکتر مارم باید اضافه کرد که هادی حجازی فر با بی‌نقصی تمام عیاری شمالیان رها، بادی به هر جهت و شیوخ و او را در آورده است. بازی او یک سر و گردن از بازی بسیار خوب بقیه بازیگران فیلم، جلوتر است. سروش صحت با صبحانه با زرافه‌ها ثابت کرد که تصویری که از خود به عنوان یک هنرمند کتابخوان و طنزنا نشان داده، کاملاًحقیقی است و می‌توان او را در جرگه طنزپردازان سطح اول سینما و تلویزیون ایران در نظر گرفت.

شاید جهان فیلم را نپسندید؛ شاید نسبت به خوشگذرانی‌های کاراکترها گارد داشته باشید؛ حتی شاید در ابتدا عادت‌های این سه رفیق منجر شودید؛ اما فیلم شما را به دورن جهان خود می‌کشد و دل شما را با آدم‌هایش صاف می‌کند. سروش صحت در آخرین اثر خود دست به کاری شجاعانه زده است. او فیلم خود را با عناصری حساسیت‌برانگیز پر کرده که می‌توانند کمر فیلمش را بشکنند؛ اما صحت از پس مدیریت جهان شلوغ فیلمش برمی‌آید.

شاید به‌مشخصه معتقدم این جنس کمدی، نه به شخصیت، که به تیپ نیاز دارد. شخصیت پردازی‌های پیچیده و متناقض برای این پنج نفر که هرکدام به نوعی نقش اصلی محسوب می‌شوند، مسیر هدفمند اثر را تغییر می‌دهد و آن را به بیراهه می‌کشاند. نویسندگان فیلم (صحت و ایمان صفایی)، با تیزهوشی متوجه این نکته شده‌اند. اما جاداشت برای تیپ‌سازی آدم‌ها زمان و حوصله بیشتری صرف شود زیرا در حال حاضر نمی‌توان مرز معینی بین آدم‌های داستان قائل شد و حتی تیپ‌سازی آنها نیز در حالتی کلی باقی مانده و جزئیاتش به نمک ذاتی و کاردانی خود بازیگران محول شده است.

مجموعه بازیگران تا حدودی و در اکثر مواقع توانسته‌اند رابطه دوستانه و صمیمانه‌ای (که از ارکان اصلی فیلم است) را شکل دهند. رابطه این چند نفر با پرداخت دوت‌های این افراد ساخته می‌شود. با اجماع این روابط دو نفره (شاهین و پویا، مجتبی و پویا، مجتبی و رضا، شاهین و آقای دکتر، …)، یک شیمی نسبتاً خاصی بین کاراکترها سر و شکل می‌گیرد. این رفاقت، دوستی شدت‌یافته عجیبی است که لحن خاصی هم دارد و یافتن مشابهی برای آن در سینمای ایران، کار دشوار و شاید عیبی باشد؛ لذا کمی طول می‌کشد تا مخاطب با این رفاقت نزدیک شود و خود را از اعضای این جمع پنج نفره ببیند. در مجموع صبحانه با زرافه‌ها بخشی از سموم سه فیلم قبلی روز سوم جشنواره وارزد. از ایراداتش غافل نیستم ولی حداقل نتوانست لحظاتی شادی آفرین را به ارغمان بیاورد.



فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

معنازادایی از جهان

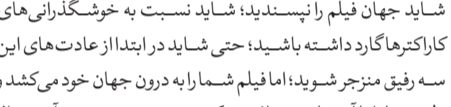


تاو‌ترین تجربه سینمایی سروش صحت از واقعیتی عینی که در زندگی اغلب ایرانیان جریان دارد س‌ود می‌برد؛ عروسی و حاشیه‌های جذاب و به‌یادماندنی‌اش در فیلم «صبحانه با زرافه‌ها» دستمایه فیلمساز قرار گرفته تا با هجو آن به خلق موقعیت‌های کمیکی که انتظارش را داشته دست پیدا کند که از حق نگذرم موفق هم می‌شود. فیلم مخلوطی از کمدی موقعیت و طنز کلامی است که در امتزاج با یک روایت تماماً ایزورد و جفنگ از پس کاری که می‌خواسته انجام دهد برمی‌آید و بیننده را نیز با رضایت کامل از سالن سینما به بیرون بدرقه می‌کند. اگر مساله فیلمساز در «جهان با من برقص» را جست‌وجوی انسان ایرانی برای یافتن «معنا» در زندگی‌اش تصور کنیم؛ اینجا با آنتی‌تر آن رویکرد مواجه هستیم. در این میزبان هرآنچه هست و نیست هجو شده و به سخره گرفته می‌شود. فیلمساز در صبحانه با زرافه‌ها یک دنیای عاری از معنا را به‌همراه مختصاتش ترسیم می‌کند که در سینمای ایران نمونه‌های مشابه اندکی دارد. خل‌خل بازی کاراکترها و موقعیت‌هایی که در آن قرار گرفته‌اند ما را به یاد «خرگوش» «مانی باغبانی می‌اندازد؛ با این تفاوت که صبحانه با زرافه‌ها در یک کانکسک‌ت رئالیست‌تر داستانش را پیش می‌برد و زیست آدم‌هایش هم با واقعیت اجتماع ما همسویی بیشتری دارد. در جهان ایزورد فیلم، معنا رنگ می‌بازد و هر خوشی و ناخوشی در آن زود به پایان می‌رسد، حتی مرگ هم نمی‌تواند آدم‌های داستان را برای مدت زیادی از حال خوبی که به آن دچار شده‌اند بیرون بیاورد. این بی‌معنایی و بی‌اعتنایی نسبت به دنیای فانی حامل یک پیام زنده

است که می‌گوید ارزش لحظه‌ها را دریاب و از فکر کردن به آینده درگذر.

البته تقلیل مضمون اثر به این قبیل پیام‌ها جفا در حق فیلم است ولی باید گفت که سروش صحت به آنچه می‌خواسته در صبحانه با زرافه‌ها دست یافته است؛ زادن معنا از بی‌معنایی مطلق. در میان فیلم‌هایی که تاکنون در جشنواره به نمایش درآمده صبحانه با زرافه‌ها از بهترین کست ممکن بهره‌مند شده است. پژمان جمشیدی، بیژن نبفشه‌خواه، هادی حجازی فر، هوتن شکیبا و حتی بهرام رادان در بهترین حالت خود مختصات نقش را دریافته‌اند و آن را به جزئی از کاراکتر خود بدل کرده‌اند. موسیقی متن و ترانه‌های انتخابی موجود در فیلم هم در پدید آمدن لحنی که فیلمساز می‌خواسته به آن دست پیدا کند موفق عمل کرده‌اند. همه چیز در این میان اندازه و درست پیش می‌رود و هیچ عنصری در این بین وجود ندارد که ساز خود را بنوازد. مخاطب در هنگام تماشای فیلم می‌تواند احساس کند که همه عناصر ساختاری اثر در یک خط قرار دارند و روی با فیلمی تماماً یک‌دست طرف است.

صحت برای گرفتن خنده از تماشاگر برخلاف آقای فیلم‌اش در مدیوم تلویزیون و سینما بار بیشتری را بر دوش کاراکترها گذاشته تا با انکا به دیالوگ‌هایشان این مهم را به مقصد برسانند، حتی روایت در صبحانه با زرافه‌هایبشتر عینی‌است تا ذهنی و سوزگنیو تابیننده بیشتریتر ا‌زبتا‌ط را با آن برقرار کند و فیلم را پس‌نزند. گویی صحت این بار گیشه برایش بیش از گذشته اهمیت پیدا کرده و قصد جدی برای فتح آن در سال‌آتی دارد. اگر دنبال یک کمدی ایزورد جشنواره‌ای می‌گردید ما این نوید را به شما می‌دهیم که صبحانه با زرافه‌ها پس از سال‌ها می‌تواند انتظارات‌تان را برآورده کند. این اثر را می‌توان یکی از شانس‌های دریافت سیمرخ بلورین بهترین فیلم قلمداد کرد.



شاید جهان فیلم را نپسندید؛ شاید نسبت به خوشگذرانی‌های کاراکترها گارد داشته باشید؛ حتی شاید در ابتدا عادت‌های این سه رفیق منجر شودید؛ اما فیلم شما را به دورن جهان خود می‌کشد و دل شما را با آدم‌هایش صاف می‌کند. سروش صحت در آخرین اثر خود دست به کاری شجاعانه زده است. او فیلم خود را با عناصری حساسیت‌برانگیز پر کرده که می‌توانند کمر فیلمش را بشکنند؛ اما صحت از پس مدیریت جهان شلوغ فیلمش برمی‌آید.

بزرگ‌ترین رسالت یک فیلم کمدی آن است که ببخنداند و «صبحانه با زرافه‌ها» از پس این رسالت بر می‌آید. فیلم به ندرت از ریتم می‌افتد و می‌تواند مخاطب را تا انتها روی صندلی نگه دارد و ببخنداند. البته فیلم در لحظاتی حد نگه نمی‌دارد و برخی شوخی‌های جنسی، گویی در شأن صحت و فیلمش نیستند؛ اما تعداد آنها به حدی نیست که فیلم را اذیت‌کننده کند.

فیلم اساساًبر شوخی‌های کلامی بناشده است اما در کنار آنها، می‌تواند در مواردی با اکت نیز کمدی بسازد. در این موارد دوربین به درستی در لانگ‌شات می‌ایستد و موقعیت را خلق می‌کند. برای مثال صحنه رقص رفا‌ق‌ر پارکینگ تالار عروسی و البته صحنه عالی سقوط داماد از پله‌ها را به‌یاد آورید که بدون دیالوگ و با تصویر خالص، از تماشاگر خنده می‌گیرند. فیلم می‌تواند یک رفاقت دوست‌داستانی بسازد؛ چیزی که به گفته خود صحت، یکی از دو دغدغه اصلی زندگی‌اش است. آدم‌های این گروه رفا‌ق‌ه‌گی تپ هستند و هیچ‌کدام عمقی که برای «شخصیت» شدن لازم است را پیدا نمی‌کنند. البته این مساله موجب ضعف فیلم نیست و با منط‌گ رویی اثر سازگاری دارد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

فرهنگیان، روزنامه‌ای است که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۲ در تهران منتشر شد. در ابتدا روزنامه فرهنگی و ادبی بود، اما به تدریج به یک روزنامه عمومی و سیاسی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۶، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد. در سال ۱۳۹۹، فرهنگیان به یک روزنامه آنلاین تبدیل شد.

صبحانه با زرافه‌ها» فیلم توخالی و بی‌چیزی است. نه فیلمنامه دارد و نه کارگردانی، البته موقعیتی در کار نیست که بخواهیم به کارگردانی بپردازیم. صحت چند بازیگر محبوب تماشاگر ایرانی در سال‌های اخیر را یک‌جا جمع کرده و همه چیز را به دلفک‌بازی‌های آنها سپرده است. کاراکترها نه با هم فرق دارند و نه حتی هیچ‌کدام از شما‌یل از پیش موجود بازیگران، میلیمتری جلوتر می‌روند. معلوم نیست جمع‌شان چطور شکل گرفته، رفاقت‌شان حول چه چیزی شکل گرفته، کار و شغل‌شان چیست و…

مقدمه فیلم تا انتها کش می‌آید و موقعیت اولیه- شب عروسی- ساخته نمی‌شود تا تعلیق خراب شدنش با تماشاگر کار کند. عروسی باورپذیر نیست و وقتی عروسی‌ای در کار نباشد، بودن و نبودن داماد اووردزکرده در جمع رفاقی‌ش هم بی‌اهمیت می‌شود. فیلمساز حساب نکرده که تماشاگر تاکی می‌تواند و باید به مشنگی رفاقی نشسته‌کرده بخندد. جالب است نشنگی شخصیت‌ها هم، جاهایی هست و جاهایی نیست. هر جا فیلمساز شوخی که می‌آورد، شخصیت‌ها سمت بساط می‌روند و خودشان را می‌سازند و حول مصرف مواد لو‌ده بازی درمی‌آورند. صحت

است که می‌گوید ارزش لحظه‌ها را دریاب و از فکر کردن به آینده درگذر. البته تقلیل مضمون اثر به این قبیل پیام‌ها جفا در حق فیلم است ولی باید گفت که سروش صحت به آنچه می‌خواسته در صبحانه با زرافه‌ها دست یافته است؛ زادن معنا از بی‌معنایی مطلق. در میان فیلم‌هایی که تاکنون در جشنواره به نمایش درآمده صبحانه با زرافه‌ها از بهترین کست ممکن بهره‌مند شده است. پژمان جمشیدی، بیژن نبفشه‌خواه، هادی حجازی فر، هوتن شکیبا و حتی بهرام رادان در بهترین حالت خود مختصات نقش را دریافته‌اند و آن را به جزئی از کاراکتر خود بدل کرده‌اند. موسیقی متن و ترانه‌های انتخابی موجود در فیلم هم در پدید آمدن لحنی که فیلمساز می‌خواسته به آن دست پیدا کند موفق عمل کرده‌اند. همه چیز در این میان اندازه و درست پیش می‌رود و هیچ عنصری در این بین وجود ندارد که ساز خود را بنوازد. مخاطب در هنگام تماشای فیلم می‌تواند احساس کند که همه عناصر ساختاری اثر در یک خط قرار دارند و روی با فیلمی تماماً یک‌دست طرف است.

صحت برای گرفتن خنده از تماشاگر برخلاف آقای فیلم‌اش در مدیوم تلویزیون و سینما بار بیشتری را بر دوش کاراکترها گذاشته تا با انکا به دیالوگ‌هایشان این مهم را به مقصد برسانند، حتی روایت در صبحانه با زرافه‌هایبشتر عینی‌است تا ذهنی و سوزگنیو تابیننده بیشتریتر ا‌زبتا‌ط را با آن برقرار کند و فیلم را پس‌نزند. گویی صحت این بار گیشه برایش بیش از گذشته اهمیت پیدا کرده و قصد جدی برای فتح آن در سال‌آتی دارد. اگر دنبال یک کمدی ایزورد جشنواره‌ای می‌گردید ما این نوید را به شما می‌دهیم که صبحانه با زرافه‌ها پس از سال‌ها می‌تواند انتظارات‌تان را برآورده کند. این اثر را می‌توان یکی از شانس‌های دریافت سیمرخ بلورین بهترین فیلم قلمداد کرد.

صبحانه با زرافه‌ها» فیلم توخالی و بی‌چیزی است. نه فیلمنامه دارد و نه کارگردانی، البته موقعیتی در کار نیست که بخواهیم به کارگردانی بپردازیم. صحت چند بازیگر محبوب تماشاگر ایرانی در سال‌های اخیر را یک‌جا جمع کرده و همه چیز را به دلفک‌بازی‌های آنها سپرده است. کاراکترها نه با هم فرق دارند و نه حتی هیچ‌کدام از پیش موجود بازیگران، میلیمتری جلوتر می‌روند. معلوم نیست جمع‌شان چطور شکل گرفته، رفاقت‌شان حول چه چیزی شکل گرفته، کار و شغل‌شان چیست و…

مقدمه فیلم تا انتها کش می‌آید و موقعیت اولیه- شب عروسی- ساخته نمی‌شود تا تعلیق خراب شدنش با تماشاگر کار کند. عروسی باورپذیر نیست و وقتی عروسی‌ای در کار نباشد، بودن و نبودن داماد اووردزکرده در جمع رفاقی‌ش هم بی‌اهمیت می‌شود. فیلمساز حساب نکرده که تماشاگر تاکی می‌تواند و باید به مشنگی رفاقی نشسته‌کرده بخندد. جالب است نشنگی شخصیت‌ها هم، جاهایی هست و جاهایی نیست. هر جا فیلمساز شوخی که می‌آورد، شخصیت‌ها سمت بساط می‌روند و خودشان را می‌سازند و حول مصرف مواد لو‌ده بازی درمی‌آورند. صحت

صبحانه با زرافه‌ها» فیلم توخالی و بی‌چیزی است. نه فیلمنامه دارد و نه کارگردانی، البته موقعیتی در کار نیست که بخواهیم به کارگردانی بپردازیم. صحت چند بازیگر محبوب تماشاگر ایرانی در سال‌های اخیر را یک‌جا جمع کرده و همه چیز را به دلفک‌بازی‌های آنها سپرده است. کاراکترها نه با هم فرق دارند و نه حتی هیچ‌کدام از پیش موجود بازیگران، میلیمتری جلوتر می‌روند. معلوم نیست جمع‌شان چطور شکل گرفته، رفاقت‌شان حول چه چیزی شکل گرفته، کار و شغل‌شان چیست و…

مقدمه فیلم تا انتها کش می‌آید و موقعیت اولیه- شب عروسی- ساخته نمی‌شود تا تعلیق خراب شدنش با تماشاگر کار کند. عروسی باورپذیر نیست و وقتی عروسی‌ای در کار نباشد، بودن و نبودن داماد اووردزکرده در جمع رفاقی‌ش هم بی‌اهمیت می‌شود. فیلمساز حساب نکرده که تماشاگر تاکی می‌تواند و باید به مشنگی رفاقی نشسته‌کرده بخندد. جالب است نشنگی شخصیت‌ها هم، جاهایی هست و جاهایی نیست. هر جا فیلمساز شوخی که می‌آورد، شخصیت‌ها سمت بساط می‌روند و خودشان را می‌سازند و حول مصرف مواد لو‌ده بازی درمی‌آورند. صحت

صبحانه با زرافه‌ها» فیلم توخالی و بی‌چیزی است. نه فیلمنامه دارد و نه کارگردانی، البته موقعیتی در کار نیست که بخواهیم به کارگردانی بپردازیم. صحت چند بازیگر محبوب تماشاگر ایرانی در سال‌های اخیر را یک‌جا جمع کرده و همه چیز را به دلفک‌بازی‌های آنها سپرده است. کاراکترها نه با هم فرق دارند و نه حتی هیچ‌کدام از شما‌یل از پیش موجود بازیگران، میلیمتری جلوتر می‌روند. معلوم نیست جمع‌شان چطور شکل گرفته، رفاقت‌شان حول چه چیزی شکل گرفته، کار و شغل‌شان چیست و…

مقدمه فیلم تا انتها کش می‌آید و موقعیت اولیه- شب عروسی- ساخته نمی‌شود تا تعلیق خراب شدنش با تماشاگر کار کند. عروسی باورپذیر نیست و وقتی عروسی‌ای در کار نباشد، بودن و نبودن داماد اووردزکرده در جمع رفاقی‌ش هم بی‌اهمیت می‌شود. فیلمساز حساب نکرده که تماشاگر تاکی می‌تواند و باید به مشنگی رفاقی نشسته‌کرده بخندد. جالب است نشنگی شخصیت‌ها هم، جاهایی هست و جاهایی نیست. هر جا فیلمساز شوخی که می‌آورد، شخصیت‌ها سمت بساط می‌روند و خودشان را می‌سازند و حول مصرف مواد لو‌ده بازی درمی‌آورند. صحت

صبحانه با زرافه‌ها» فیلم توخالی و بی‌چیزی است. نه فیلمنامه دارد و نه کارگردانی، البته موقعیتی در کار نیست که بخواهیم به کارگردانی بپردازیم. صحت چند بازیگر محبوب تماشاگر ایرانی در سال‌های اخیر را یک‌جا جمع کرده و همه چیز را به دلفک‌بازی‌های آنها سپرده است. کاراکترها نه با هم فرق دارند و نه حتی هیچ‌کدام از شما‌یل از پیش موجود بازیگران، میلیمتری جلوتر می‌روند. معلوم نیست جمع‌شان چطور شکل گرفته، رفاقت‌شان حول چه چیزی شکل گرفته، کار و شغل‌شان چیست و…

مقدمه فیلم تا انتها کش می‌آید و موقعیت اولیه- شب عروسی- ساخته نمی‌شود تا تعلیق خراب شدنش با تماشاگر کار کند. عروسی باورپذیر نیست و وقتی عروسی‌ای در کار نباشد، بودن و نبودن داماد اووردزکرده در جمع رفاقی‌ش هم بی‌اهمیت می‌شود. فیلمساز حساب نکرده که تماشاگر تاکی می‌تواند و باید به مشنگی رفاقی نشسته‌کرده بخندد. جالب است نشنگی شخصیت‌ها هم، جاهایی هست و جاهایی نیست. هر جا فیلمساز شوخی که می‌آورد، شخصیت‌ها سمت بساط می‌روند و خودشان را می‌سازند و حول مصرف مواد لو‌ده بازی درمی‌آورند. صحت

صبحانه با زرافه‌ها» فیلم توخالی و بی‌چیزی است. نه فیلمنامه دارد و نه کارگردانی، البته موقعیتی در کار نیست که بخواهیم به کارگردانی بپردازیم. صحت چند بازیگر محبوب تماشاگر ایرانی در سال‌های اخیر را یک‌جا جمع کرده و همه چیز را به دلفک‌بازی‌های آنها سپرده است. کاراکترها نه با هم فرق دارند و نه حتی هیچ‌کدام از شما‌یل از پیش موجود بازیگران، میلیمتری جلوتر می‌روند. معلوم نیست جمع‌شان چطور شکل گرفته، رفاقت‌شان حول چه چیزی شکل گرفته، کار و شغل‌شان چیست و…

مقدمه فیلم تا انتها کش می‌آید و موقعیت اولیه- شب عروسی- ساخته نمی‌شود تا تعلیق خراب شدنش با تماشاگر کار کند. عروسی باورپذیر نیست و وقتی عروسی‌ای در کار نباشد، بودن و نبودن داماد اووردزکرده در جمع رفاقی‌ش هم بی‌اهمیت می‌شود. فیلمساز حساب نکرده که تماشاگر تاکی می‌تواند و باید به مشنگی رفاقی نشسته‌کرده بخندد. جالب است نشنگی شخصیت‌ها هم، جاهایی هست و جاهایی نیست. هر جا فیلمساز شوخی که می‌آورد، شخصیت‌ها سمت بساط می‌روند و خودشان را می‌سازند و حول مصرف مواد لو‌ده بازی درمی‌آورند. صحت

صبحانه با زرافه‌ها» فیلم توخالی و بی‌چیزی است. نه فیلمنامه دارد و نه کارگردانی، البته موقعیتی در کار نیست که بخواهیم به کارگردانی بپردازیم. صحت چند بازیگر محبوب تماشاگر ایرانی در سال‌های اخیر را یک‌جا جمع کرده و همه چیز را به دلفک‌بازی‌های آنها سپرده است. کاراکترها نه با هم فرق دارند و نه حتی هیچ‌کدام از شما‌یل از پیش موجود بازیگران، میلیمتری جلوتر می‌روند. معلوم نیست جمع‌شان چطور شکل گرفته، رفاقت‌شان حول چه چیزی شکل گرفته، کار و شغل‌شان چیست و…

مقدمه فیلم تا انتها کش می‌آید و موقعیت اولیه- شب عروسی- ساخته نمی‌شود تا تعلیق خراب شدنش با تماشاگر کار کند. عروسی باورپذیر نیست و وقتی عروسی‌ای در کار نباشد، بودن و نبودن داماد اووردزکرده در جمع رفاقی‌ش هم بی‌اهمیت می‌شود. فیلمساز حساب نکرده که تماشاگر تاکی می‌تواند و باید به مشنگی رفاقی نشسته‌کرده بخندد. جالب است نشنگی شخصیت‌ها هم، جاهایی هست و جاهایی نیست. هر جا فیلمساز شوخی که می‌آورد، شخصیت‌ها سمت بساط می‌روند و خودشان را می‌سازند و حول مصرف مواد لو‌ده بازی درمی‌آورند. صحت

صبحانه با زرافه‌ها» فیلم توخالی و بی‌چیزی است. نه فیلمنامه دارد و نه کارگردانی، البته موقعیتی در کار نیست که بخواهیم به کارگردانی بپردازیم. صحت چند بازیگر محبوب تماشاگر ایرانی در سال‌های اخیر را یک‌جا جمع کرده و همه چیز را به دلفک‌بازی‌های آنها سپرده است. کاراکترها نه با هم فرق دارند و نه حتی هیچ‌کدام از شما‌یل از پیش موجود بازیگران، میلیمتری جلوتر می‌روند. معلوم نیست جمع‌شان چطور شکل گرفته، رفاقت‌شان حول چه چیزی شکل گرفته، کار و شغل‌شان چیست و…

گوگولی

دستش در شوخی‌های کلامی‌های خالی‌تر از همیشه است و نه تنها به کرات شوخی‌های جنسی به کار می‌گیرد. جاهایی حتی یک شوخی خاص را بارها تکرار می‌کند. صحت در شوخی‌ها از سینمای کمدی مبتذل این چندساله یک قدم هم جلوتر نرفته و هرچه کلیشه‌است رایه‌کار می‌گیرد؛

مثل شوخی دمه‌و بی‌نمک آب-الکل که دیگر خیلی لوس شده است. فیلمساز در میانه‌ناگهان یاد معنا و محتوای افتد و همالاتی درباره روابط آدم‌ها وسط می‌کشد که کاملاً مشخص است برای رفغ تکلیف است. بعد از این هم نوبت پس‌گرفتن حرف‌های فیلم می‌رسد. جایی‌که فیلمساز با تشبیه کردن شخصیت‌های معناد و دخترپازش، همه چیز را برای اکران مهیا می‌کند. علاوه بر این، با مرگ یکی از رفقا، فیلم به سمت ایزوردیسم و نیپیلیسم کمانه می‌کند تا چیزی هم جلوی منتقدان عشق «ایسم» و نیندازد. سروش صحت بچه لوسی است که از شخصیتی که خارج از سینما برای خود ساخته، می‌خورد. چون آدم گوگولی و مبتنی است، همه محکومند به کشیدن لپش و غلاف کردن تیغ بقع به هوای «شخصیت» قابل احترامش. برای من ماجرافرق می‌کند، فیلمساز محترم قصه می‌گوید، موقعیت می‌سازد، متناسب با موقعیت وقصه‌تپ و شخصیت می‌سازد و دو ساعت وقت من را برای شنیدن شوخی‌هایی که بهترشان در فضای مجازی پراست، هدر نمی‌دهد.